

تجزیه و تحلیل چگونگی ورود ارزش در نظریه‌های توسعه و پیشرفت اقتصادی

محمد جواد توکلی *

دانشیار گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران.

tavakoli@iki.ac.ir

چکیده

نظریه‌های توسعه به‌طور معمول ارزش خنثی، فنی، تحلیلی و علمی قلمداد می‌شوند. در این مقاله به بررسی چگونگی ورود ارزش در نظریه‌های توسعه و پیشرفت اقتصادی می‌پردازیم. بنا به فرضیه مقاله که به روش تحلیلی بررسی شده، ارزش‌ها در قالب تحلیل ارزشی و ارزش‌داوری وارد نظریه‌های توسعه و پیشرفت شده و موجب تمایز آن‌ها می‌شوند. تحلیل ارزشی عمدتاً حاکی از ارزیابی نقش ارزش‌ها در مسیر دستیابی به توسعه و پیشرفت است. در مقابل، ارزش‌داوری حاکی از قضاوت ارزشی نظریه‌پردازان به دو صورت ارزش‌داوری معرفتی و اخلاقی (ارزش‌داوری آرمانی و سیاستی) است. ارزش‌داوری معرفتی حاکی از جهت‌گیری ارزشی محقق اقتصاد توسعه و پیشرفت در تدوین نظریه است. مهم‌ترین بخش ارزش‌داوری اخلاقی در اقتصاد توسعه و پیشرفت، ارزش‌داوری آرمانی شامل تعریف توسعه، تعیین و تعریف اهداف آن، رتبه‌بندی اهداف، تدوین شاخص‌های آن و همچنین تعیین استانداردهای رفتار اقتصادی مطلوب در قالب فروضی همچون عقلانیت اقتصادی است. ارزش‌داوری سیاستی نیز حاکی از توصیه به اصلاحات ساختاری و برنامه‌ای برای دستیابی به توسعه و پیشرفت است. هرچند ارزش‌های اخلاقی به‌عنوان فرض وارد نظریه‌های توسعه و پیشرفت می‌شود، در ادامه مورد قضاوت ارزشی قرار گرفته و مبنای توصیه ارزشی اقتصاددانان قرار می‌گیرد. بر اساس چهارچوب تحلیلی ارائه‌شده، تمایز میان

نظریه‌های توسعه و پیشرفت اقتصادی را می‌توان از منظر ارزش‌های معرفتی و اخلاقی اثرگذار بر آن در حوزه آرمان‌ها، رفتارها، ساختارها و سیاست‌ها ارزیابی کرد. تمایزات ارزشی در نظریه‌های توسعه و پیشرفت باعث تغییر در اولویت‌های پژوهشی، واقع‌نمایی نظریه‌ها، شاخص‌ها، سیاست‌های و برنامه‌های توسعه و پیشرفت خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: توسعه اقتصادی، پیشرفت اقتصادی، ارزش‌باری، اقتصاد توسعه، اقتصاد پیشرفت.

مقدمه

یکی از مباحث مهم در زمینه نظریه‌های توسعه، چگونگی اثرپذیری آن‌ها از ارزش است. اقتصاددانان توسعه به‌طور معمول تلاش کردند تا برای علمی جلوه دادن نظریه‌های خود آن را ارزش‌خنی (value free) بدانند. میردال^۱ یکی از نظریه‌پردازان برجسته اقتصاد توسعه است که در اوایل دوره علمی خود، تلاش زیادی برای خالی کردن نظریه‌های اقتصاد توسعه از ارزش کرد، در دوره دوم علمی خود، به نافرجام بودن این تلاش اذعان کرد و در نهایت به اقتصاددانان توسعه توصیه نمود که ارزش‌های خود در نظریه را تصریح کنند.

هرچند در ادبیات اقتصاد توسعه به ابعادی از ورود ارزش‌ها در نظریه‌های توسعه پرداخته شده، ابعاد موضوع به‌روشنی تبیین نشده است. در این زمینه سؤالات زیادی مطرح است. گذشته از ابهام درباره دامنه ارزش‌باری نظریه‌های اقتصاد توسعه و پیشرفت، این سؤال مطرح است که ارزش به چه مفهومی و از چه کانال‌هایی وارد این نظریه‌ها می‌شود. آیا رابطه‌ای بین ارزش‌های اقتصادی و اخلاقی در نظریه‌های توسعه و پیشرفت وجود دارد؟ چه تفاوتی بین ارزش‌باری نظریه‌های اقتصاد توسعه در اقتصاد متعارف و اسلامی وجود دارد؟ آیا تمایز در ارزش‌ها می‌تواند باعث تمایز نظریه‌های توسعه و پیشرفت اقتصادی می‌شود؟

برای تجزیه و تحلیل چگونگی ورود ارزش در نظریه‌های توسعه و پیشرفت اقتصادی، با استفاده از روشی تحلیلی پس از بررسی پیشینه تحقیق، ابتدا به بررسی رابطه نظریه‌های اقتصاد توسعه و ارزش می‌پردازیم. در ادامه به مفهوم‌شناسی ارزش در نظریه‌های اقتصاد توسعه و پیشرفت و سپس سنخ‌شناسی ورود ارزش در این نظریه‌ها می‌پردازیم. در ادامه بحث به تبیین دو زمینه تحلیل ارزشی، و ارزش‌داوری اخلاقی در نظریه‌های اقتصاد توسعه و پیشرفت می‌پردازیم. ترسیم مراحل

1. Myrdal.

ارزش‌دآوری در نظریه‌های توسعه و پیشرفت و در نهایت توجه به تمایزات ارزشی در نظریه‌های اقتصاد توسعه و پیشرفت و کارکردهای آن پایان‌بخش مقاله است.

۱. پیشنهاد تحقیق

در زمینه چگونگی ورود ارزش‌ها در نظریه‌های اقتصاد اسلامی تحقیقات پر دامنه‌ای صورت نگرفته است. در ادامه به برخی آثار در این زمینه و از جمله آثار در مورد ورود ارزش در نظریه‌های اقتصادی اشاره می‌شود:

توکلی در مقاله «چگونگی ورود ارزش‌ها در نظریه‌های اقتصاد اسلامی» علاوه بر تحلیل مفهوم ارزش و تمایز بین ارزش اقتصادی، معرفتی و اخلاقی، به بررسی رابطه ارزش‌ها و فروض، ساختارها و سیاست‌ها می‌پردازد. در این مقاله بین ارزش‌های آرمانی، رفتاری، ساختاری و سیاستی تفکیک شده است (توکلی، ۱۴۰۰ ب).

توکلی و رفیعی پیشوری ورود ارزش در نظریه‌های اقتصاد اسلامی را از مسیر تعیین اهداف، ساختارها و معیارهای رفتاری و سیاست‌های دانسته‌اند (توکلی و رفیعی پیشوری، ۱۳۹۹، ص ۱۳-۲۱).

زرقا انتخاب پیش فرض‌ها، موضوع، متغیرها، روش، معیار تأیید و آزمون را مسیرهای ورود ارزش‌ها در تحلیل‌های اقتصادی می‌داند. وی برای این مسیرها مصادیقی چون عدم پذیرش فرض کمیابی در اقتصاد اسلامی، توجه به انگیزه‌های اخلاقی و معنوی انسان اقتصادی و برجسته کردن رفتارهای نوع‌دوستانه معرفی می‌کند (زرقا، ۱۳۸۲، ص ۱۱۶-۱۱۹).

یوسفی ارتباط ارزش‌ها با علم اقتصاد را با تفکیک مرحله گردآوری پدیده و سوژه مورد مطالعه و مرحله قضاوت و داوری درباره مدل تبیین می‌کند (یوسفی، ۱۳۷۵).

سبحانی ضمن توجه به تأثیر ارزش‌ها در ایجاد واقعیات عینی، امکان بررسی علمی واقعیت مستقل از ارزش‌ها را می‌پذیرد. به نظر ایشان علم اقتصاد در هیئت فعلی، نتیجه ارزش‌های نهفته در واقعیات اجتماعی خاص با جهان‌بینی خاص است (سبحانی، ۱۳۷۰، ص ۵۷).

زربیاف علم اقتصاد متعارف را به خاطر حذف جایگاه ارزش‌ها در روش‌شناسی خود مورد انتقاد قرار می‌دهد. وی قضاوت ارزشی در اقتصاد را گریزناپذیر می‌داند (زربیاف، ۱۳۸۷، ص ۵۹). مک‌لاپ ورود ارزش‌ها در اقتصاد را از کانال ارزش‌دآوری عاملان اقتصادی، اقتصاددانان و متقاضیان تحلیل اقتصادی ترسیم می‌کند (مک‌لاپ، ۱۳۸۱).

نوآوری این مقاله در مقایسه با آثار پیشین در تفکیک بین انواع ارزش‌دآوری در نظریه‌های

اقتصاد توسعه و پیشرفت و تبیین چگونگی ورود ارزش‌ها در این نظریه‌هاست. از دستاوردهای این تفکیک طرح ایده تمایز نظریه‌های اقتصاد توسعه و اقتصاد پیشرفت بر اساس تمایز در ورود ارزش‌هاست.

۲. رابطه نظریه‌های اقتصاد توسعه و ارزش

میردال در اوایل زندگی علمی خود تلاش زیادی کرد تا نظریه‌های اقتصاد توسعه را از ارزش‌ها خالی کند، ولی وی در نیمه دوم زندگی علمی خود به غیرممکن بودن این تلاش پی برد. او در نهایت توصیه کرد اقتصاددانان پیش فرض‌های نظری و ارزشی خود را به صراحت بیان کنند و تلاش کنند دچار سوگیری نامربوط نشوند. وی رویکرد قدیمی خود را تجربه‌گرایی خام^۱ می‌نامد (دایکما، ۱۳۹۲، ص ۴۱۹).

میردال معتقد است درک واقعیات مسبوق به داشتن دیدگاهی نظری (نظریه‌باری) و همراه با ارزش‌دآوری (ارزش‌باری) است. از نظر او، ارزش‌گذاری‌ها از آغاز تا پایان در نظریه رسوخ می‌کنند. ارزش‌گذاری‌ها در تعیین رویکرد تحقیق، تعریف مفاهیم، چگونگی مشاهده و نحوه ارائه نتایج مؤثرند (Myrdal, 1972: P.162). وی در تحلیل ارزش‌باری نظریه‌های توسعه می‌نویسد: «در بسیاری از تحقیقات اقتصادی کشورهای فقیر از زاویه دید منافع نظامی و سیاسی غرب و یا پوشش حفاظت در مقابل کمونیسم نگریسته شده است» (Idem, 1968: P.13). وی این نحوه نگاه به کشورهای فقیر را مطلوب نمی‌داند. کشورهای فقیر مایل‌اند به مسائلمان از درجه منابع و ارزش‌گذاری‌های خودشان نگریسته شود. به نظر او، محقق توسعه باید در برخورد با ارزش‌ها روند زیر را دنبال کند:

- ارزش‌گذاری‌ها را تا سرحد آگاهی تعالی دهد (ارزش‌های پنهان منشأ انحراف و تورش است)؛
- ارزش‌گذاری‌ها را از نظر موضوعیت، اهمیت و عملی بودن بررسی کند؛
- ارزش‌گذاری‌ها را به قضایای ارزشی مشخص برای تحقیق تبدیل کند؛
- در چهارچوب قضایای ارزشی، رویکرد و مفاهیم را تعریف کند (دایکما، ۱۳۹۲، ص ۴۲۴-۴۲۵).

هرچند میردال با این توصیه‌ها سعی در افزایش خودآگاهی محققان درباره ارزش‌های مورد پذیرش در نظریه و پرهیز از تورش دارد، خود دچار تورش می‌شود. به اعتقاد او، در برنامه‌ریزی توسعه باید ارزش‌های بومی ملاک قرار گیرد؛ با وجود این، وی استفاده از ارزش‌های مدرن نخبگان

1. Naïve Empiricism.

را توصیه می‌کند (Myrdal, 1968: P.54). او می‌پذیرد که ارزش‌های مدرن رنگ و بوی غربی دارند، ولی معتقد است که این ارزش‌ها اکنون به اعتقاد رسمی مردم جنوب آسیا بدل شده‌اند (Dykema, 1986: P.147-163).

دایکما (۱۹۸۶) ضمن نقد رویکرد میردال معتقد است که وی کاملاً شیفته میراث عصر روشنگری شده است. به نظر او، میردال این نکته را توضیح نمی‌دهد که چرا ارزش‌های برتر در جامعه غرب به صورت اتفاقی به ارزش‌های آرمانی جنوب آسیا بدل شده است؟ آیا این امر بدین دلیل نیست که تحصیل کرده‌های جنوب آسیا از غرب تغذیه فکری می‌شوند؟ میردال دلیلی بر این ادعا نمی‌آورد که مشروعیت این ارزش‌ها در ارتباط با ویژگی‌های بومی کشورهای جنوب آسیا حاصل شده باشند (دایکما، ۱۳۹۲، ص ۴۲۸).

میردال در تحلیل خود، با نوعی پارادوکس در زمینه پذیرش ارزش‌های بومی از یک سو و ضروری دانستن ارزش‌های نوگرایی از سوی دیگر مواجه می‌شود؛ وی می‌گوید: اگر مخالفت ارزش‌های سنتی با آرمان‌های نوگرایی مانع توسعه است و باید از سر راه برداشته شود (همان). وی به‌رغم در نظر گرفتن خاستگاه عاطفی برای ارزش‌ها و عدم امکان ارزیابی آن‌ها در علم، سه دلیل بر برتری ارزش‌های مدرنیزاسیون بر ارزش‌های سنتی ارائه می‌کند:

- ارزش‌های سنتی ماهیتی ایستا داشته، باعث تحول نمی‌شوند و ناگزیر به رکود می‌انجامند؛
- آرمان‌های مدرنیزاسیون ماهیتی پویا و پیشرو داشته و این ویژگی برای توسعه اقتصادی ضروری است؛

- زمانی که ارزش‌های سنتی را قدری به سطوح ارزش‌های برتر ارتقا دهیم، غالباً تفاوت و تضاد چندانی با ارزش‌های نوگرایی ندارند (همان، ص ۴۲۹).

هرچند استدلال اخیر، میردال را قادر می‌کند که به ارزش‌های سنتی وفادار بماند، بسیاری از ارزش‌های عامیانه موجود را رد و زمینه‌ساز رکود می‌داند (همان). میردال ارزش‌های اقلیت نخبگان و طبقات بالای اجتماعی را زمینه‌ساز توسعه می‌داند (Myrdal, 1970: P.417). او تحمیل ارزش‌های گروه اقلیت نخبگان بر اکثریت را با توجه پذیرش رویکرد پدرسسالارانه در دولت رفاه مطرح می‌کند (دایکما، ۱۳۹۲، ص ۴۳۰). از نظر میردال، انسان برتر (ناجی) نهادها را می‌سازد و نهادها به انسان شکل می‌دهند. انسان عادی متأثر از محیط است، درحالی‌که انسان ناجی غالب بر محیط و سازنده آن است. انسان برتر ملهم و متأثر از آرمان‌های روشنگری و اصول علمی اجتماعی است و به همین دلیل می‌تواند ناجی باشد (همان، ص ۴۳۱).

دنيس گولت^۱ با رد رویکرد ارزشی میردال، حق مردم عادی نسبت به هویت فرهنگی، تعریف توسعه و چگونگی کنترل فرایند توسعه را می‌پذیرد. از نظر او، میردال از دولت‌ها می‌خواهد که اقدامات سختی برای ایجاد انسجام عاطفی^۲ مردم یعنی هماهنگ کردن ارزش‌هایشان با آرمان‌های نوگرایی را اتخاذ کنند. به نظر گولت، ارزش‌های سنتی عقلایی بوده و نیازی به تغییر آن‌ها نیست (همان، ص ۴۳۱-۴۳۲). وی برخلاف میردال معتقد است توسعه باید ابزاری برای عینیت بخشیدن به توانمندی‌های بشر یا تعالی بشر^۳ و نه ابزاری برای تغییر ارزش‌های آن‌ها باشد (Goulet, 1981: P.5). از نظر گولت برای دستیابی به توسعه باید اشکال مختلف عقلانیت غیر مدرن محترم شمرده شود. در مقابل، میردال تنها ارزش‌های مدرنیزاسیون را باعث توسعه می‌داند (Myrdal, 1965: P.894).

۳. مفهوم‌شناسی ارزش در نظریه‌های توسعه و پیشرفت

واژه ارزش (معادل value در انگلیسی و معادل «القيمة» در عربی) به مفهوم بها، قیمت، قدر، منزلت و خوب اخلاقی به کار رفته است. ارزش که در مفهوم عامش حاکی از امور مطلوب و پسندیده است، می‌تواند گستره وسیعی از سلايق، ترجیحات، خصلت‌ها و گرایش‌های فردی یا هنجارهای اجتماعی را شامل شود.

اقتصاددانان عمدتاً از ارزش‌های مصرفی و مبادله‌ای سخن می‌گویند. با وجود این، ارزش‌های اخلاقی همچون عدالت و برابری هم مورد توجه اقتصاددانان قرار دارد. آن‌ها به صورت ضمنی و در قالب مباحث روش‌شناسی اقتصاد درگیر بحث از ارزش معرفتی نیز می‌شوند. هرچند مطلوبیت یا پسندیدگی عنصر مشترک در کاربردهای متفاوت ارزش است، عناصر دیگری نیز در آن دخیل است. در ارزش مصرفی، توان یک چیز برای برطرف کردن نیاز نیز موضوعیت دارد. در ارزش مبادله‌ای، کمیابی نیز از مقومات ارزش است. در ارزش اخلاقی نیز علاوه بر مطلوبیت عناصر دیگری همچون شایستگی طلب و خردمندانه بودن نیز دخیل است (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۳).

هنگامی که از ورود ارزش‌ها در نظریه‌های اقتصاد توسعه و پیشرفت سخن می‌گوییم، دغدغه اصلی اقتصاددانان ارزش مصرفی و مبادله‌ای نیست، بلکه توجه عمده به ارزش داورى معرفتی و اخلاقی است که در ادامه تبیین خواهد شد.

1. Dennis Goulet.
2. Emotional integration.
3. Human ascent.

۴. سنخ‌شناسی ورود ارزش در نظریه‌های اقتصاد توسعه و پیشرفت

مک‌لاپ در مقالهٔ تحلیلی خود، ورود ارزش‌ها در اقتصاد را در قالب دوازده مورد تبیین می‌کند

(جدول ۱). موارد دوازده‌گانهٔ مورد اشاره مک‌لاپ را می‌توان در سه دستهٔ زیر جای داد:

جدول ۱. چگونگی ورود ارزش‌ها در تحلیل اقتصادی از نگاه مک‌لاپ

۱. در مدل‌های اقتصادی فرض می‌شود تصمیم‌گیرندگان خود اقتصادی (خانوارها و مدیران شرکت‌ها) از ویژگی‌های ارزشی خاصی از جهت سلیقه، ترجیحات، مطلوبیت‌ها و چگونگی واکنش به تغییر در فرصت‌ها بهره‌منداند.
۲. رفتار افراد به‌عنوان تصمیم‌گیرندگان خرد سیاسی (چه فردی، چه گروهی)، تابع ارزش‌های خاصی می‌باشد.
۳. رفتار گروه‌های اجتماعی (مبلغان، مدیران مدارس، احزاب، ...) تابع ارزش‌های خاصی است.
۴. هنجارهای قانونی و اخلاقی ارزش‌هایی می‌باشند که بر رفتار افراد تأثیر می‌گذارند.
۵. رفتار دولت (مسئولان اجرایی و قانون‌گذاران) تحت تأثیر ارزش‌های خاص خود است.
۶. ارزش‌های مورد قبول متقاضیان تحلیل‌های اقتصادی بر تحلیل‌ها و سیاست‌های پیشنهادی اقتصاددانان مؤثر است.
۷. اقتصاددانان در ترسیم تابع رفاه اجتماعی که مبنای سیاست‌گذاری است، ارزش‌های سمبلیک ملت، جامعه جهانی و یا جوامع محلی را مفروض می‌گیرند.
۸. ارزش‌های اقتصاددانان به‌عنوان یک تحلیل‌گر در انتخاب موضوع تحقیق، مسائل مورد تحلیل و فضیله‌های مورد آزمون مؤثراند.
۹. ارزش‌های اقتصاددانان به‌عنوان یک تحلیل‌گر در انتخاب تکنیک‌ها و روش‌های تحلیل، چگونگی وزن‌دهی به شواهد مؤثر است.
۱۰. ارزش‌های اقتصاددانان به‌عنوان یک تحلیل‌گر در انتخاب اصطلاحات، پذیرش داده‌های آماری و اندازه‌گیری شاخص‌ها (مانند محاسبه شاخص تولید ملی بر حسب قیمت بازاری با مفروض گرفتن توزیع درآمد) مؤثر است.
۱۱. ارزش‌های اقتصاددانان به‌عنوان مشاور در جایگزینی قضاوت‌های ارزشی خود به جای ارزش‌های واقعی جامعه مؤثر است.
۱۲. ارزش‌های اقتصاددانان به‌عنوان یک مشاور، در استفاده وی از داده‌های نامناسب یا ساختگی، کاربرد روش‌های محاسباتی ناقص، و دادن شواهد غلط مؤثر است.

الف) ورود ارزش‌ها در تحلیل اقتصادی به‌واسطهٔ تأثیر ارزش‌ها (ی فردی و اجتماعی):

هنجارها) بر رفتار تصمیم‌گیرندگان اقتصادی (موارد ۱ تا ۴)؛

ب) ورود ارزش‌ها در تحلیل اقتصادی از کانال ارزش‌های مورد قبول متقاضیان تحلیل‌های

اقتصادی (مورد ۵):

ج) ورود ارزش‌ها در تحلیل اقتصادی از طریق ارزش‌های مورد قبول خود اقتصاددانان به‌عنوان تحلیلگر یا اقلان‌کننده (موارد ۶ تا ۱۲) (م‌ک‌لاپ، ۱۳۸۱، ص ۱۶۹-۱۷۱).

با توجه به دو دسته ب و ج، ارزش‌های سه گروه تصمیم‌گیرندگان اقتصادی و سیاسی، مشتریان اقتصاددانان و خود اقتصاددانان بر نظریات اقتصادی اثر می‌گذارند.

تحلیل م‌ک‌لاپ را می‌توان به‌شکلی سازمان‌یافته‌تر و با تفکیک میان مبانی ارزشی - ارزش‌ها، تحلیل ارزشی - ارزش‌داوری، ارزش‌داوری معرفتی و اخلاقی و ارزش‌داوری ابزاری و غیرابزاری بسط داد.

۴-۱. مبانی ارزشی در برابر ارزش‌ها

مبانی ارزشی اقتصاد توسعه و پیشرفت حاکی از رویکرد آن درباره مقولاتی همچون هستی‌شناسی ارزش و مکاتب ارزشی است. پذیرش ناواقع‌گرایی در هستی‌شناسی ارزش می‌تواند گاه زمینه‌ساز پذیرش پلورالیسم ارزشی یا نسبی‌گرایی ارزشی و گاه باعث سوگیری ارزشی همانند ترجیح ارزش‌های نوسازی بر ارزش‌های بومی (Myrdal, 1968: P.54) و توصیه به درونی‌سازی آن‌ها باشد (Dykema, 1986: P.147-163).

پذیرش مکاتب مختلف ارزشی نیز می‌تواند بر نظریه‌های توسعه و پیشرفت به‌خصوص در رتبه‌بندی اهداف اثرگذار باشد. برای نمونه، رویکردهای مطلوبیت‌گرا مستلزم آن هستند که هنگام رتبه‌بندی اهداف توسعه، مطلوبیت کل را در نظر بگیریم. در مقابل، با پذیرش مکاتب حق‌گرا، نمی‌توان در فرایند توسعه و پیشرفت، منافع یک گروه را فدای منافع اکثریت جامعه کرد.

۴-۲. تحلیل ارزشی در برابر ارزش‌داوری

ورود ارزش‌ها در نظریه‌های اقتصاد توسعه و پیشرفت می‌تواند شکل ارزش‌داوری یا تحلیل ارزشی داشته باشد. در تحلیل ارزشی، ارزش به‌عنوان متغیر تحلیلی وارد نظریه می‌شود، ولی ارزش‌داوری حاکی از قضاوت ارزشی است. برای نمونه، یک اقتصاددان توسعه ممکن است صرفه‌جویی را مطلوب بداند (قضاوت ارزشی) و این دیدگاه را با تأثیر مثبت آن بر رشد عادلانه مستدل کند (تحلیل ارزشی).

۴-۳. ارزش‌داوری ابزاری و غیرابزاری

اقتصاددانان توسعه و پیشرفت ممکن است درگیر ارزش‌داوری ابزاری یا غیرابزاری شوند. هنگامی که

اقتصاددانی از پرداخت یارانه طرفداری می‌کند، ارزشمندی یارانه، نه به خاطر خود، بلکه به خاطر آن است که ابزاری برای رسیدن به ارزش عدالت است. البته قضاوت در مورد ارزشمندی یارانه فقط به تأثیر آن بر تحقق هدف وابسته نیست، بلکه ممکن است خود ابزار نیز مورد قضاوت ارزشی قرار گیرد. برای نمونه، اگر بپذیریم هدف وسیله را توجیه نمی‌کند، نظریه پرداز توسعه ممکن است یک روش دستیابی به توسعه را با توجه به عوارض جانبی اش (مانند تخریب محیط زیست یا فرهنگ بومی) رد کند. با توجه به وجود روش‌های مختلف برای دستیابی به یک هدف یا مجموعه اهداف، انتخاب یک شیوه و بی‌توجهی به سایر گزینه‌های ممکن نوعی ارزش داوری است (مانند غلبه توصیه به سیاست‌های قیمتی، نه اصلاح ساختاری).

۴-۴. ارزش داوری معرفتی و اخلاقی

ارزش داوری در نظریه پردازی اقتصاد توسعه و پیشرفت قابل تفکیک به ارزش داوری معرفتی و اخلاقی است. این دو به ترتیب حاکی از اثرپذیری نظریه از ارزش‌های معرفتی و اخلاقی است. مراد از ارزش داوری معرفتی، ارزش داوری در مورد معرفت مورد قبول است که بر تعیین موضوع و روش مطالعه علمی اثرگذار است. ارزش داوری معرفتی می‌تواند به واسطه ارزش‌های مورد پذیرش اقتصاددانان یا قضاوت ارزشی سفارش دهندگان تحلیل اقتصادی باشد. ارزش داوری اخلاقی در نظریه توسعه اقتصادی نیز حاکی از قضاوت در مورد خوب و بد رفتارها (مانند عقلانیت)، موقعیت‌ها (مانند تعادل)، ساختارها، استراتژی‌ها و برنامه‌های توسعه است. ارزش داوری اخلاقی شامل ارزش داوری آرمانی وضعیتی (اهداف و شاخص‌های توسعه و پیشرفت)، ارزش داوری آرمانی رفتاری (استاندارد رفتاری مطلوب)، ارزش داوری سیاستی ساختاری (ساختارهای اقتصادی مطلوب) و ارزش داوری سیاستی برنامه‌ای (برنامه‌های توسعه و پیشرفت) می‌شود.

جدول ۲. انواع ارزش داوری در اقتصاد توسعه و پیشرفت

سوال ارزش محور	محورهای ارزش داوری	نوع ارزش داوری	
چه نظریه توسعه‌ای قابل قبول است؟	ملاک معرفت معتبر	معرفتی	
چه هدفی باید دنبال شود؟	اهداف، رتبه‌بندی اهداف، شاخص‌بندی	وضعیتی	آرمانی
چه استاندارد رفتاری مطلوب است؟	استانداردهای رفتار اقتصادی مطلوب در فرایند توسعه	رفتاری	
چه ساختاری را برای تحقق اهداف ایجاد کنیم؟	ساختارهای اقتصادی مطلوب در فرایند توسعه	ساختاری	سیاستی
چه برنامه‌ای برای تحقق اهداف دنبال کنیم؟	توصیه برنامه برای دستیابی به اهداف توسعه و پیشرفت	برنامه‌ای	

۵. تحلیل ارزشی در نظریه‌های اقتصاد توسعه و پیشرفت

تحلیل ارزشی در نظریه‌های اقتصاد توسعه و پیشرفت هنگامی رخ می‌دهد که ارزش بخشی از تحلیل توصیفی یا علی قرار می‌گیرد. در ادامه نمونه‌هایی از آن ارائه می‌شود:

- گسترش عدالت به رشد اقتصادی کمک می‌کند.

- گسترش معنویت باعث تقویت رشد و عدالت اقتصادی می‌شود.

- هنجارهای اجتماعی می‌توانند دستیابی به توسعه و پیشرفت اقتصادی را تسهیل کنند.

در نمونه‌های بالا، بین دو ارزش عدالت و رشد اقتصادی و همچنین بین سه ارزش معنویت، رشد و عدالت اقتصادی ارتباط برقرار شده است. قضاوت صورت گرفته از نوع قضاوت ارزشی یا ارزش داوری نیست، بلکه از سنخ تحلیل ارزشی است. این بدان معناست که نظریه پرداز نمی‌گوید که عدالت خوب است، یا رشد اقتصادی خوب است، بلکه می‌گوید بین این دو ارزش ارتباط وجود دارد؛ اگر شما برای تحقق عدالت تلاش کنید، اقدامات شما بر تحقق رشد اقتصادی نیز اثر مثبت دارد.

گزاره سوم پیشنهادی، حاکی از رابطه بین هنجارهای اجتماعی و توسعه و پیشرفت است. نهادگرایان تأثیر ارزش‌ها بر توسعه را در قالب کارکرد فرهنگ و هنجارها مطرح کرده‌اند. در تحلیل چهار مرحله‌ای ویلیامسون، هنجارهای فرهنگی به‌عنوان بالاترین سطح نهادی بر رفتارها و عملکرد اقتصادی اثرگذار است (Williamson, 2000). داگلاس نورث، اثر هنجارها را در قالب قواعد غیررسمی حاکم بر رفتار در کنار قواعد رسمی (قانون) ارزیابی می‌کند. از نظر نورث، هنجارهای اخلاقی به‌عنوان محدودیت‌های غیررسمی «از جمله شرایط لازم (و نه کافی) برای عملکرد اقتصادی مناسب می‌باشند. جوامعی که در آن هنجارهای سازگار با رشد اقتصادی وجود دارد می‌تواند در مواردی باعث توسعه شود حتی زمانی که قواعد سیاسی ناپایدار و معکوسی حاکم باشد. مسئله اساسی این است که قدرت اثربخشی معکوس قواعد سیاسی چه میزان است» (North, 1993: P.7-8). ساموئل هانتینگتون^۱ تفاوت غنا و کرة جنوبی در توسعه بین سه دهه ۱۹۶۰-۱۹۹۰م را به تفاوت فرهنگی نسبت می‌دهد: «کرة جنوبی ارزش زیادی برای صرفه‌جویی، سرمایه‌گذاری، کار سخت، آموزش، سازمان‌ها و نظم قائل شد. ارزش‌های غنا کاملاً متفاوت بود» (هانتینگتون، ۱۳۸۳، ص ۲۷-۲۸). اقتصاددانانی همچون آمارتیا سن، بارد جبرگرای فرهنگی، در کنار توجه به تفاوت در نظام آموزشی به وضعیت جغرافیایی نیز توجه می‌کنند (سن، ۱۳۷۸).

هنجارهای اجتماعی می‌توانند از کانال گسترش همکاری اجتماعی و خیرخواهی پیشرفت اقتصادی را تسهیل کنند (Bicchieri, 2005; Eriksson, 2015) و از بروز مشکلاتی همچون

1. Samuel P. Huntington.

سواری مجانی در تراژدی ذخایر مشترک جلوگیری کنند (توکلی، ۱۳۹۷). سادجن، الیکسون و اسرام به تحلیل عوامل شکل‌گیری هنجار همکاری پرداخته‌اند (فوکویاما، ۱۳۸۳، ص ۲۱۹-۲۲۳). همچنین کاشوئیک باسو در تجزیه و تحلیل توصیه‌های اقتصاددانان توسعه به مقوله اخلاقیات مشروط در تعاملات کشورها در اموری همچون مقابله با مخاطرات زیست محیطی توجه می‌کند (باسو، ۱۳۸۲، ص ۱۰۲-۱۰۶).

۶. ارزش‌داوری معرفتی در نظریه‌های اقتصاد توسعه و پیشرفت

ارزش‌داوری معرفتی می‌تواند بر تصمیم بر انجام تحقیق، انتخاب موضوع تحقیق، روش تحقیق و کاربرد پژوهش و حتی محتوای نظریه تأثیرگذار باشند (Stenmark, 2005a & 2005b). منظور از ارزش‌های معرفتی، ارزش‌هایی همچون دقت در پیش‌بینی، دامنه، وحدت‌بخشی، قدرت تبیینی، سادگی و همبستگی یک نظریه با سایر نظریه‌های علمی است که به صدق نظریه مربوط می‌شود (یغمانی، ۱۳۹۴). برای نمونه، پژوهشگر به واسطه غلبه فرمالیسم و ریاضی‌زدگی، استفاده از مدل و روش‌های اقتصادسنجی را در نظریه خود ضروری می‌پندارد؛ امری که حتی ممکن است از توان واقع‌نمایی آن بکاهد. همچنین برای محقق اقتصاد پیشرفت، ارزیابی اثر اخلاق و معنویت بر پیشرفت اقتصادی اهمیت دارد؛ امری که در مطالعات اقتصاد توسعه حاشیه‌ای است.

مغالطه‌های معرفت‌شناختی می‌تواند باعث شود که نظریه‌پرداز به همه عوامل مؤثر بر توسعه و پیشرفت توجه نکند. در این زمینه، مغالطه «توسعه فقط یک علت دارد»، باعث شده است که برخی تنها توسعه را به انباشت سرمایه مادی نسبت دهند، گروهی بر اهمیت سرمایه انسانی و اجتماعی تأکید کنند؛ برخی فرهنگ را برجسته کنند و گروهی نیز در مورد نقش دولت اغراق کنند (آدلمن، ۱۳۸۲، ص ۱۳۶-۱۴۹). نگاه مکانیکی به توسعه و تلقی الگوی توسعه به مثابه یک فناوری نیز باعث شده است که الگوی توسعه نوعی فناوری عاری از ارزش‌داوری تلقی شود (پایا، ۱۳۸۸، ۴۱-۴۲). این در حالی است که تلقی الگوی توسعه به مثابه نقشه راه پیشرفت، باعث توجه به ابعاد ارزشی آن می‌شود (توکلی، ۱۳۹۲).

۷. ارزش‌داوری اخلاقی در نظریه‌های توسعه و پیشرفت

در نظریه‌های توسعه و پیشرفت، ارزش‌داوری اخلاقی از کانال تعریف ارزش‌ها، سنخ‌شناسی ارزش‌ها، رتبه‌بندی ارزش‌ها و تعیین ارزش‌های غایی و ابزاری بر برخی ابعاد نظریه توسعه از جمله شاخص‌ها و سیاست‌های توسعه اثر می‌گذارند. اگر اقتصاددانی پلورالیسم ارزشی یا نسبت‌گرایی

ارزشی را بپذیرد، وی درباره استانداردهای رفتاری پیشنهادی در الگوی توسعه و پیشرفت، رویکردی نسبت‌گرایانه خواهد داشت. البته این نسبت‌گرایی در عمل با پارادوکس مواجه می‌شود و طرفداران آن را مجبور به جانب‌داری از یک رتبه‌بندی خاص از ارزش‌ها و اهداف توسعه خواهد کرد.

۷-۱. ارزش‌دواری آرمانی (اهداف، رتبه‌بندی اهداف، شاخص‌ها)

ارزش‌دواری آرمانی به مفهوم ارزشمند دانستن وضعیت‌ها و رفتارهاست. از این دو نوع ارزش‌دواری می‌توان به ترتیب به ارزش‌دواری آرمانی وضعیتی و ارزش‌دواری آرمانی رفتاری یاد کرد.

الف) ارزش‌دواری آرمانی وضعیتی: در نظریه‌های توسعه و پیشرفت به صورت ضمنی ارزش‌دواری در مورد وضعیت‌های آرمانی شامل اهداف و رتبه‌بندی آن‌ها صورت می‌گیرد. خروجی این ارزش‌دواری در قالب تعریف توسعه و شاخص‌های آن ظاهر می‌شود. وضعیت مطلوب در توسعه و پیشرفت ناظر به اهدافی نهایی یا میانی است که در پی رسیدن به آن هستیم. برای نمونه، آمارتیا سن^۱، هدف غایی در توسعه را رسیدن به آزادی انتخاب آنچه افراد ارزشمند می‌دانند، معرفی می‌کند (سن، ۱۳۸۱، ص ۱۷). در تحلیل او، نوعی رتبه‌بندی ضمنی اهداف و ارزش‌ها وجود دارد. وی ارزش آزادی را حتی بالاتر از ارزش رفاه قلمداد می‌کند. در تحلیل سن، توانمند کردن افراد بر بهره‌مندی (مانند باسواد کردن) بر توزیع امکانات (اهدای کتاب) اولویت دارد. در نظریه پیشرفت، هدف نهایی کمال و خوشبختی انسان در سایه قرب الهی است. عدالت، رفاه و آزادی نیز در زمره اهداف میانی پیشرفت قرار می‌گیرند. تعریف خاص اسلام از این اهداف و ارزش‌ها زمینه‌ساز معرفی شاخص‌های اسلامی همچون شاخص پیشرفت می‌شود.

هنگام تعیین اهداف توسعه، باید مشخص کرد که ارزش‌ها، اهداف و سلايق چه کسانی تعیین‌کننده است. اگر گروهی از جامعه سلايق گران‌قیمتی داشتند، آیا این سلايق باید مبنای برنامه‌ریزی توسعه قرار گیرد؟ اگر مدیریت توسعه به بازار واگذار شود، ثروتمندان به واسطه داشتن تقاضای مؤثر بر مسیر تولید کالاها و خدمات اثرگذار خواهند بود؛ در مقابل، افراد فقیر ناتوان توانی برای اثرگذاری بر کالاها و خدمات تولیدی نخواهند داشت.

ب) ارزش‌دواری آرمانی رفتاری: در نظریه‌های توسعه و پیشرفت به صورت ضمنی، استاندارد رفتاری مطلوب افراد پیش‌فرض گرفته می‌شود. در رویکرد متعارف اقتصاد توسعه، عقلانیت اقتصادی ابزاری استاندارد آرمانی مطلوب در نظر گرفته می‌شود. فرض عقلانیت اقتصادی با برجسته کردن انگیزه‌های خودخواهانه در انسان، توجه چندانی به انگیزه‌های خیرخواهانه در استاندارد

1. Amartya Sen.

رفتاری مفروض ندارد. این در حالی است که در اقتصاد پیشرفت، استاندارد رفتاری پیش فرض گرفته می‌شود که به همه ظرفیت‌های انگیزشی انسان توجه دارد؛ هم انگیزه‌های خودخواهانه و هم انگیزه‌های خیرخواهانه. البته این نکته نیز مورد توجه قرار می‌گیرد که عقلانیت ناقص انسان وی را در معرض انتخاب‌های نادرست قرار می‌دهد؛ مشکلی که می‌تواند با توجه به محدودیت‌های شناختی، انگیزشی و ارادی انسان کاهش یابد. آنچه از آن می‌توان با عنوان عقلانیت تکامل یافته یاد کرد، استاندارد رفتاری مطلوب در اقتصاد اسلامی است. علم اقتصاد اسلامی ضمن تحلیل مشکلات افراد در دستیابی به این استاندارد رفتاری چگونگی نزدیک کردن افراد به این استاندارد رفتاری و نهادینه کردن اخلاق و معنویت در اقتصاد را بررسی می‌کند.

در رویکردهای هتروکس^۱ از جمله اقتصاد رفتاری، کارآمدی فرض عقلانیت اقتصادی با تردید مواجه شده است. آنان با تجدید نظر در فرض عقلانیت کامل، امکان وجود افراد غیرعقل به رسمیت شناخته شده است. نتیجه این تغییر در فروض ارزشی خود را توصیه‌های سیاستی نشان داده است. اقتصاددانان رفتاری مداخله سیاست‌گذاران برای تأثیر بر انتخاب افراد (نوعی پدرسالاری) را تجویز می‌کنند. البته این رویکرد در جریان غالب دانش اقتصاد پذیرفته نشده و رویکردی هتروکس محسوب می‌شود.

۲-۷. ارزش‌دآوری سیاستی (ساختارها و برنامه‌ها)

ارزش‌دآوری سیاستی به معنای توصیه ساختارها و برنامه‌های مناسب برای دستیابی به اهداف توسعه و پیشرفت یا تقویت شاخص‌های آن است.

ارزش‌دآوری سیاستی ساختاری: یکی از نهفته‌ترین ارزش‌دآوری‌های اخلاقی در اقتصاد توسعه، ارزش‌دآوری‌های ساختاری است. در اقتصاد توسعه متعارف، ساختارهایی مانند ساختار بازار آزاد، ساختار بازار رقابتی، یا ساختار نظام بانکی ربوی پیش فرض گرفته می‌شوند؛ ولی در نهایت این ساختار توصیه و تجویز می‌شوند. بسیاری از این ساختارها، ساختارهای آرمانی هستند. ساختار بازار رقابت کامل یکی از این موارد است که نقشی کلیدی در تحلیل‌های اقتصاد خرد دارد. در اقتصاد اسلامی نیز ورود به تحلیل علمی بدون مفروض گرفتن ساختارها و به خصوص ساختارهای ایدئال ممکن نیست. ساختار مطلوب نهادی مورد اشاره شامل ساختارهای حقوق مالکیت، مداخله دولت، مکانیسم تخصیص منابع و شیوه توزیع و بازتوزیع درآمد و ثروت می‌شود. اقتصاددانان مسلمان تمایل دارند که یک ساختار نظام بازاری اخلاقی را پیش فرض تحلیل‌های خود بگیرند یا به جای

فرض گرفتن یک ساختار بانکداری ربوی، وجود یک نظام بانکداری بدون ربا را پیش فرض بگیرند.

ارزش داوری سیاستی برنامه‌ای: ارزش این نوع ارزش داوری در مرحله‌ای پس از ارزش داوری ساختاری قرار دارد. در این حالت معمولاً ساختارها و استانداردهای رفتاری مفروض در نظر گرفته شده و سپس تحلیل می‌شود که چه برنامه‌ای می‌تواند به بهبود عملکرد نظام اقتصادی در دستیابی به اهداف توسعه و پیشرفت کمک کند. برای نمونه، سیاست‌های پولی و مالی به‌طور معمول در یک ساختار بازاری و با فرض عقلانیت فعالان اقتصادی معرفی می‌شوند. سیاست‌های فرهنگ‌سازی اقتصادی می‌تواند در چهارچوب نظریه پیشرفت با توجه به ارزش‌های اسلامی ارائه شود.

۸. مراحل ارزش داوری در نظریه‌های توسعه و پیشرفت

برای فهم بهتر چگونگی ورود ارزش‌ها در اقتصاد توسعه و پیشرفت، تحلیل مراحل ارزش داوری در نظریه‌های اقتصاد توسعه و پیشرفت ضروری است. چرخه ورود ارزش‌ها به اقتصاد توسعه و پیشرفت از کانال فروض ارزشی به‌خصوص فروض اخلاقی حاکی از اهداف، اولویت‌ها و شاخص‌های توسعه و پیشرفت آغاز می‌شود (مرحله ارزش داوری آرمانی). سپس اقتصاددانان به تجزیه و تحلیل عوامل و موانع توسعه و پیشرفت (رابطه بین متغیرهای اقتصادی) می‌پردازند (مرحله تحلیل ارزشی). در ادامه، آن‌ها با توجه به ارزش داوری آرمانی صورت گرفته و تبیین‌های علمی ارائه‌شده، ساختارها، استراتژی‌ها و برنامه‌های مطلوب توسعه و پیشرفت را تجویز می‌کنند (مرحله ارزش داوری سیاستی).



شکل ۱. چرخه ورود ارزش در نظریه‌های توسعه و پیشرفت

۱-۸. فروض ارزشی

ارزش داوری آرمانی به‌طور معمول در قالب فروض ارزشی آشکار یا ضمنی در نظریه‌های توسعه و پیشرفت صورت می‌گیرد. بر این اساس، چرخه ورود ارزش در نظریه‌های توسعه و پیشرفت

از فروض ارزشی آغاز می‌شود. در این مرحله، ارزش‌دآوری آرمانی در زمینه اهداف توسعه، اولویت‌بندی اهداف، شاخص‌های توسعه، استانداردهای رفتاری مطلوب صورت می‌گیرد. نظریه‌پردازان توسعه و پیشرفت هنگام بررسی گزینه‌های سیاستی نیز از ارزش‌ها متأثر می‌شوند. برای نمونه، طرفداران رویکردهای لیبرالی در اقتصاد توسعه، از بین گزینه‌های ممکن عمدتاً آزادسازی قیمت‌ها را موضوع بررسی قرار می‌دهند و گزینه‌های سیاستی دیگر را مطرح نمی‌کنند. در مرحله ارزش‌دآوری سیاستی، چون سیاست‌های متفاوت بر مبنای تحلیل‌های متفاوت مطرح است، اقتصاددان باید از میان آن سیاست‌ها دست به انتخاب بزند. انتخاب سیاست مزبور تنها وابسته به تحلیل‌های ارزشی اقتصاددان نیست، بلکه به‌شکلی ضمنی از ارزش‌دآوری معرفتی و اخلاقی او نیز اثر می‌پذیرد. نظریه‌پرداز طرفدار نظریه توسعه و طرفدار رویکرد اقتصاد بازار آزاد، تمایل دارند که سیاست‌های قیمتی را برتر از سایر سیاست‌ها بدانند؛ آن‌ها به‌صورت خودآگاه یا ناخودآگاه سیاست‌های قیمتی را بر سیاست‌های اصلاح ساختاری و نهادی ترجیح می‌دهند. برای نمونه، اقتصاددان طرفدار نظریه بازار آزاد، پرداخت یارانه پولی را بر یارانه کالایی ترجیح می‌دهد. این ترجیح از یک‌سوریشه در مکتب فکری (ارزش‌دآوری معرفتی) او دارد و از سوی دیگر ریشه در اولویت‌بندی او از ارزش‌ها دارد؛ وی آزادی را ارزشی می‌داند که حتی بر ارزشی مانند رفاه هم می‌تواند مقدم باشد.

۲-۸. تحلیل ارزشی

تحلیل ارزشی در نظریه توسعه و پیشرفت در حوزه تحلیل‌های علمی مطرح می‌شود. در این سطح، نظریه‌پرداز قضاوت می‌کند که چه عواملی بر تحقق یا عدم تحقق اهداف توسعه و پیشرفت اثرگذارند. این تحلیل به‌شدت تحت تأثیر پارادایم‌های حاکم بر نظریه‌پرداز قرار دارد. برای نمونه، نظریه‌پردازی که رویکرد نئوکلاسیکی و نیوکلاسیکی در اقتصاد توسعه را پذیرفته، تمرکز عمده خود را بر تحلیل اثر متغیرهایی همچون انباشت سرمایه بر رشد اقتصادی قرار می‌دهد. در تحلیل او، گذشته از اینکه اهدافی همچون ثبات و عدالت وضعیتی حاشیه‌ای دارند، تأثیر متغیرهایی همچون تقویت معنویت بر رشد اقتصادی چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

در تحلیل‌های ارزشی در اقتصاد توسعه متعارف به‌صورت عمده، فروض رفتاری مانند عقلانیت اقتصادی مورد قضاوت ارزشی متأخر قرار می‌گیرد. تحلیل ارزشی مزبور به‌طور معمول پس از تحلیل‌های اثباتی اقتصاد خرد و کلان در چهارچوب اقتصاد رفاه صورت می‌گیرد. در اقتصاد خرد، رفتار اقتصادی در چهارچوب یک بازار ایدئال رقابتی و با فرض عقلانیت اقتصادی

افراد تجزیه و تحلیل می‌شود. در رویکرد اقتصاد متعارف ادعا می‌شود که خروجی این بازار، قیمت و مقدار تعادلی است. در انتها خروجی سیستم بر اساس معیار اضافه رفاه مصرف‌کننده و تولیدکننده ارزیابی می‌شود. اقتصاددانان استدلال می‌کنند که نظام بازار آزاد رقابتی، هدف اصلی مورد نظر (کارایی در تخصیص منابع به نیازهای بی‌شمار) را تأمین می‌کند. در تحلیل سیستم هم عنوان می‌شود که اگر مداخله‌ای در بازار صورت گیرد، کارکرد آن مختل می‌شود و اضافه رفاه کل کاهش می‌یابد. این ارزش‌گذاری یا ارزیابی سیستمی بر اساس معیاری ارزشی موسوم به اضافه رفاه صورت می‌گیرد. بر این اساس، رفاه به‌دست‌آمده یا ازدست‌رفته بر اساس فاصله بین قیمت پرداختی و قیمت مورد تمایل برای پرداخت تعیین می‌شود.

محققان اقتصاد اسلامی ضمن نقد رویکرد رایج در اقتصاد رفاه نسبت به کارآمدی بازار آزاد در تأمین اهداف مورد نظر نظام اقتصادی اسلام از جمله عدالت اقتصادی ابراز تردید می‌کنند. از نگاه ایشان، اهداف پیشرفت اقتصادی مورد نظر اسلام زمانی محقق می‌شود که در کنار دست نامرئی بازار، دست نامرئی اخلاق و دست مرئی دولت عمل کند. بنا به تحلیل برخی از اقتصاددانان مسلمان، دست نامرئی اخلاق در قالب مکانیسم تسویه اخلاقی به بهبود عملکرد بازار آزاد کمک می‌کند. بر اساس این نگرش، انگیزه‌های مصرفی مسرفانه و ناشی از چشم‌وهم‌چشمی قبل از ورود به بازار به‌واسطه تمایلات اخلاقی عاملان اقتصادی تسویه می‌شوند. همین امر از فشار تقاضا بر بازار می‌کاهد (Chapra, 1992).

۳-۸. توصیه ارزشی

پس از قضاوت ارزشی نوبت به توصیه ارزشی می‌رسد. در این مرحله، اقتصاددان توسعه و پیشرفت به‌سمت ارائه توصیه‌های سیاستی ساختاری و برنامه‌ای می‌روند. بسته به اینکه اقتصاددان چه پاسخی به سؤال در مورد کارکرد نظام اقتصادی در فرایند توسعه و پیشرفت بدهد، قضاوت و توصیه ارزشی او متفاوت خواهد بود.

خروجی استدلال در رویکردهای اقتصاد توسعه متعارف این است که تعادل حاصل از نظام بازار آزاد بهترین خروجی است؛ چراکه اضافه رفاه کل بیشینه می‌شود. این رویکرد سیاستی با مشاهده موارد متعدد شکست بازار با تردید مواجه شده و اقتصاددانان مداخله دولت در برخی موارد همچون تولید کالاها و خدمات عمومی، مواجهه با پیامدهای بیرونی منفی و همچنین مداخله در زمینه تأمین اجتماعی را پذیرفته‌اند. این رویکرد زمینه معرفی و پذیرش سیاست‌های پولی و مالی برای بهبود عملکرد بازار آزاد را فراهم کرده است.

تحلیل اقتصاددانان مسلمان از ناکارآمدی بازار در تأمین اهداف پیشرفت اقتصادی مورد نظر اسلام، و لزوم استفاده از ظرفیت اخلاق و دولت، اقتضائات سیاستی خود را دارد. در این رویکرد، سیاست اقتصادی منحصر در سیاست پولی و مالی نیست، بلکه سیاست‌های فرهنگ‌سازی اقتصادی نقشی بسیار مهم دارند. سیاست فرهنگ‌سازی اقتصادی با هدف غلبه بر مشکلات عقلانیت ناقص بشر و تلاش برای جهت‌دهی به ترجیحات و هنجارهای اجتماعی صورت می‌گیرد. در این راستا، خداوند متعال از پیامبر خود می‌خواهد که از افراد زکات دریافت کند تا بدین وسیله آن‌ها را تزکیه و تربیت اخلاقی کند. این بدان معناست که حتی هدف از سیاست مالی در اقتصاد اسلامی نیز صرفاً تأمین مخارج مالی دولت اسلامی نیست، بلکه هدف انسان‌سازی و تربیت اخلاقی او می‌باشد (توبه، ۱۰۳).

۹. تمایزات ارزشی در نظریه‌های اقتصاد توسعه و پیشرفت و کارکرد آن

تمایز در رویکردهای ارزشی می‌تواند یکی از عوامل مؤثر بر تمایز نظریه‌های توسعه و پیشرفت از جمله تغییر در اولویت‌های پژوهشی و واقع‌نمایی نظریه‌ها باشد و همچنین بر ابعاد محتوایی همچون شاخص‌ها، ساختارها و برنامه‌های توسعه و پیشرفت اثرگذار باشد.

۹-۱. محوره‌های تمایز ارزشی در نظریه‌های توسعه و پیشرفت

همان‌گونه که بیان شد، تمایز ارزشی در نظریه‌های توسعه و پیشرفت می‌تواند از ناحیه ارزش‌دواری معرفتی، مبانی ارزشی، تحلیل ارزشی یا ارزش‌دواری اخلاقی رخ دهد. در جدول ۳ برخی از جلوه‌های بروز و ظهور ارزش‌دواری‌ها در نظریه‌های توسعه و پیشرفت نمایش داده شده است.

جدول ۳. تمایز ارزش‌ها در نظریه‌های توسعه و پیشرفت

نوع ارزش‌دواری	تمایز ارزشی در نظریه توسعه	تمایز ارزشی در نظریه پیشرفت
ارزش‌دواری معرفتی	معیارهای نظریه مقبول	تمایل به ارزش‌خنثایی، فرمالیسم، ریاضی‌زدگی، کمیت‌گرایی
مبانی ارزشی	مفهوم هستی‌ارته‌بندی ارزش‌ها	مادگرایی، نسبی‌گرایی، پلورالیسم در اهداف توسعه، اولویت‌بخشی ضمنی به آزادی، اولویت کارایی بر عدالت
تحلیل ارزشی	رابطه ارزش با ارزش یا سایر متغیرها	رویکرد حداقلی در تحلیل نقش ارزش‌ها در توسعه
ارزش‌دواری اخلاقی	آرمانی وضعیتی (اهداف، رتبه‌بندی اهداف) آرمانی رفتاری (استاندارد رفتاری مطلوب)؛ سیاستی ساختاری؛ ساختار مطلوب، سیاستی برنامه‌ای؛ توصیه سیاستی برای حصول اهداف	غلبه مطلوبیت‌گرایی، ارزش بالای آزادی به مثابه هدف نهایی، پذیرش عقلانیت ابزاری، بزرگ‌نمایی کارکرد ساختار بازاری، اولویت راهبردهای بازاری و اصلاح قیمتی نسبت به اصلاح نهادی

اول: تمایز در ارزش‌دواری‌های معرفتی

ارزش‌دواری‌های معرفتی رایج در اقتصاد توسعه، زمینه‌ساز گریز نافرجام از ارزش‌باری نظریه‌ها

و الگوهای توسعه بوده است. با پذیرش ارزش‌باری نظریه‌های توسعه توسط متفکرانی همچون میردال و اقتصاددانان نهادگرا، زمینه برای توجه به ارزش‌ها در تحقیقات اقتصاد توسعه فراهم شده است؛ هرچند که چنین مطالعاتی محوری نیست. در مقابل، پذیرش ارزش‌باری نظریه پیشرفت، باعث توجه بیشتر به مباحث ارزشی در نظریه‌پردازان شده است.

دوم: تمایز در مبانی ارزشی

مبانی ارزشی یا فروض ارزشی روی نظریه‌های توسعه و پیشرفت اثر می‌گذارد. مبانی ارزشی نسبی‌گرایانه و پلورالیستی رایج در نظریه‌های توسعه باعث پارادوکس‌هایی در نظریه‌های رایج توسعه شده است. در این نظریه‌ها از یک سو ارزش‌های بومی به رسمیت شناخته شده است. در مقابل، بر ارزش‌های نوسازی (ارزش‌های لیبرالیستی) تأکید شده و مصداق عقلانیت محسوب می‌شود. در نظریه‌های پیشرفت اقتصادی، پذیرش واقع‌گرایی ارزشی نه تنها باعث گریز از نسبیت‌گرایی ارزشی و پارادوکس‌های ناشی از آن می‌شود، بلکه بر واقع‌نمایی نظریه پیشرفت می‌افزاید.

سوم: تمایز در تحلیل‌های ارزشی

نظریه‌های توسعه و پیشرفت از نظر تحلیل‌های ارزشی در علم توسعه و پیشرفت نیز متمایزند. در نظریه‌های متداول توسعه، متغیرهای ارزشی نقشی حاشیه‌ای در تحلیل عوامل و موانع توسعه بازی می‌کند. در این نظریه‌ها با توجه بیش از حد به عواملی همچون انباشت فیزیکی ثروت مادی، متغیرهایی همچون فرهنگ و مذهب به‌شکلی حاشیه‌ای مورد توجه قرار می‌گیرند.

چهارم: تمایز در ارزش‌دآوری‌های اخلاقی

در میان موارد مورد اشاره، نقش ارزش‌دآوری‌های اخلاقی در تمایز ارزشی نظریه‌های توسعه و پیشرفت از اهمیت بیشتری برخوردار است. تمایز در ارزش‌دآوری‌های اخلاقی در نظریه توسعه و پیشرفت در قالب تغییر در ارزش‌دآوری‌های آرمانی وضعیتی و رفتاری ظهور می‌کند. این نوع ارزش‌دآوری‌ها باعث تغییر در شاخص‌های پیشرفت نسبت به شاخص‌های توسعه و همچنین ساختارها و برنامه‌های پیشنهادی برای تغییر شاخص‌هاست.

۲-۹. کارکرد تمایزات ارزشی در نظریه‌های توسعه و پیشرفت

تمایزات ارزشی در نظریه‌های توسعه و پیشرفت می‌تواند به گونه‌های مختلف بروز و ظهور کند؛ از

آن جمله می‌توان به تغییر در اولویت‌های پژوهشی، تعمیق تحلیل‌های علمی، تغییر در شاخص‌ها و سیاست‌گذاری (اصلاحات ساختاری و برنامه‌ای) توسعه و پیشرفت اشاره کرد.

اول: تغییر در اولویت‌های پژوهشی در اثر تمایز در ارزش‌دآوری معرفتی

ارزش‌دآوری معرفتی می‌تواند در تعیین اولویت‌های پژوهشی اقتصاد توسعه و پیشرفت و جهت‌گیری آن اثرگذار باشد. برای نمونه، برای محقق اقتصاد پیشرفت تجزیه و تحلیل مقولاتی همچون معنویت و اخلاق در اولویت قرار می‌گیرد. همچنین تأکید بر نقش اقتصاد اسلامی در اصلاح واقعیت فاسد اقتصادی به‌جای اتخاذ رویکرد اثبات‌گرایانه در تبیین واقعیت موجود، باعث توجه بیشتر به تحلیل قانونمندی‌های تحول در اقتصاد پیشرفت می‌شود. در این چهارچوب مطالعاتی همچون تحلیل تأثیر بانکداری اسلامی بر توسعه (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۳۳۳) و تحلیل مکانیسم تسویه اخلاقی به‌عنوان کارکرد دست‌نمائی اخلاق در تسهیل پیشرفت اقتصادی مطرح شده است (Chapra, 2014: P.46).

دوم: تقویت واقع‌نمایی تحلیل‌های علمی اقتصاد توسعه و پیشرفت با اصلاح مبانی هستی‌شناختی و ارزش‌شناختی

تغییر در مبانی هستی‌شناختی و ارزش‌شناختی محققان و افزایش واقع‌نمایی آن می‌تواند به واقع‌نمایی تحلیل‌های علمی اقتصاد توسعه و پیشرفت کمک کند. برای نمونه، تغییر مبانی هستی‌شناختی نظریه‌پرداز اقتصاد پیشرفت و توجه به امور متافیزیکی فرامادی و در نتیجه توجه به ارزش معنویت در مبانی ارزش‌شناختی نظریه پیشرفت اسلامی و تعریف آن با توجه به ارزش‌های فرامادی، باعث می‌شود که تحلیل‌های عمیقی از نقش معنویت در پیشرفت اقتصادی صورت گیرد (اعراف، ۹۶). این تحلیل زمینه سیاست‌گذاری و برنامه پیشرفت معنویت‌محور را فراهم می‌کند. برای نمونه، محقق اقتصاد پیشرفت اسلامی، تعلیم و تربیت اقتصادی بر اساس عقلانیت متعالی را ابزار خوبی برای نهادینه کردن ارزش‌های اخلاقی کسب‌وکار دانسته و الزامی کردن دوره‌های اخلاق کسب‌وکار برای فعالان اقتصادی را ابزار خوبی برای تحقق ارزش‌های اسلامی در فضای کسب‌وکار و تسریع پیشرفت اقتصادی می‌داند. در ادبیات جدید اقتصاد رفتاری به‌شکلی آشکار زمینه ورود به بحث از جهت‌دهی ترجیحات با توجه به مشکلات عقلانیت اقتصادی بشر و استفاده از تلنگرها مورد توجه قرار گرفته است؛ چیزی که در فضای گفتمان اسلامی در قالب امر به معروف و نهی از منکر شناخته می‌شود (توکلی، ۱۴۰۰ الف).

سوم: تغییر در شاخص‌ها، ساختارها و برنامه‌ها در نتیجه تغییر در ارزش داوری موقعیتی ارزش داوری اخلاقی در قالب تعریف آرمان‌های وضعیتی و رفتاری توسعه و پیشرفت، باعث تمایز در تعریف، اهداف و شاخص‌های توسعه و پیشرفت و همچنین تعیین ساختارها و برنامه‌های مطلوب برای دستیابی به آن می‌شود. برای نمونه، تعریف اسلام از عدالت و پذیرش دو معیار کار و نیاز به عنوان دو منشأ استحقاق، پذیرش مسئولیت برای عموم مردم و دولت نسبت به فقرزدایی، پذیرش توازن به عنوان هدفی اساسی در فرایند پیشرفت اقتصادی، نه تنها به تغییر در شاخص‌های پیشرفت عادلانه می‌انجامد، بلکه مستلزم ایجاد ساختار پشتیبان تکافل اجتماعی، حقوق مالکیت و گسترش توازن و کاهش شکاف طبقاتی است (صدر، ۱۴۰۰، ص ۳۴۸). این رویکرد می‌تواند حتی شاخص‌های پیشرفت را نیز تحت تأثیر قرار دهد. برای نمونه، توجه به هزینه‌های فرهنگی و اخلاقی تولید در کنار هزینه‌های زیست‌محیطی آن، زمینه معرفی شاخص تولید و رشد طیب در اقتصاد پیشرفت را فراهم می‌کند؛ شاخصی که ارزش کالاها و خدمات حلال و طیب را می‌سنجد (توکلی و شفیع‌نژاد، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۸). توجه به معنویت و اخلاق زمینه معرفی شاخص متمایزی برای توسعه انسانی می‌شود که در آن هدف پیشرفت یک جامعه اسلامی، تربیت افرادی آگاه، سالم، پردرآمد و اخلاق‌گرا در مسیر عبودیت خداوند است (توکلی، ۱۳۹۰). این رویکرد الزامات متفاوتی برای راهبردهای پیشرفت حتی در مواردی همچون معماری بازار اسلامی‌آمایش جمعیت دارد.

چهارم: تغییر در برنامه‌ریزی پیشرفت در اثر تغییر در ارزش داوری رفتاری

در تحلیل‌های اقتصاد توسعه متعارف، عقلانیت به عنوان یک فرض اثباتی معرفی می‌شود؛ عقلانیت یک استاندارد رفتاری است؛ نوعی ارزش و هنجار است که تلقی آن به عنوان تنها هنجار مقبول مخدوش است. مشخص نیست «چرا باید عقلانی بودن منحصرأ تعقیب نفع شخصی به معنای حذف تمام دیگر اهداف تعریف شود؟» (سن، ۱۳۷۷، ص ۱۲-۱۷). این مشکل در کنار نگاه کمال‌گرایانه به عقلانیت باعث عدم توجه به محدودیت‌های شناختی، انگیزشی و ارادی افراد در انتخاب‌ها در مسیر پیشرفت می‌شود. در اقتصاد پیشرفت، ارائه تعریف متعالی از عقلانیت و توجه به محدودیت‌های بشر در انتخاب عقلایی، زمینه‌ساز برجسته‌سازی راهبردهای اخلاقی پیشرفت و طرح برنامه‌هایی برای تهذیب فعالان اقتصادی برای دستیابی به عقلانیت معنوی می‌شود؛ مقوله‌ای که نیازمند تعلیم و تربیت اقتصادی عاملان اقتصادی است (توکلی، ۱۴۰۰).

نتیجه‌گیری

میردال، از نظریه‌پردازان توسعه، در برهه اول زندگی علمی خود تلاش کرد بر لزوم ارزش‌خثایی نظریه‌های اقتصاد توسعه پافشاری کند. وی در این تلاش ناکام ماند و در برهه دوم زندگی علمی‌اش، از این دیدگاه دست برداشت و تنها تصریح به ارزش‌های پذیرفته‌شده در نظریه‌ها را توصیه کرد.

ورود ارزش‌ها در نظریه‌های اقتصاد توسعه و پیشرفت را می‌توان با تفکیک بین مبانی ارزشی در برابر ارزش‌ها، تحلیل ارزشی در برابر ارزش‌داوری، ارزش‌داوری معرفتی در برابر ارزش‌داوری اخلاقی (آرمانی و سیاسی) توضیح داد. ارزش‌داوری معرفتی حاکمی از جهت‌گیری معرفتی محققان اقتصاد توسعه و پیشرفت است که انتخاب موضوع، رویکرد و روش تحقیق را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ارزش‌داوری اخلاقی نیز در قالب تعریف توسعه و پیشرفت، اهداف آن، اولویت‌بندی آن اهداف، شاخص‌های اقتصادی، و همچنین ترسیم رفتارهای آرمانی صورت می‌گیرد. ارزش‌داوری ساختاری ناظر به ساختارهای مطلوب از جمله ساختار حقوق مالکیت و مداخله در اقتصاد است. ارزش‌داوری سیاسی نیز حاکمی از توصیه برنامه‌ها و اقداماتی برای بهبود عملکرد نظام اقتصادی راستای توسعه و پیشرفت است.

ارزش‌داوری در نظریه‌های اقتصاد توسعه و پیشرفت با ارزش‌داوری معرفتی آغاز می‌شود. تلقی اقتصاددانان از معرفت مطلوب در تعیین موضوع تحقیق، روش و جهت‌گیری آن مؤثر است. محقق اقتصاد پیشرفت اسلامی به‌واسطه اهمیت دادن به بُعد معنوی حیات بشر، به بررسی اموری همچون نقش معنویت و اخلاق در پیشرفت اقتصادی اولویت می‌دهد. این رویکرد باعث توجه به راهبردهای تقویت معنویت در برنامه‌ریزی پیشرفت اقتصادی و برجسته شدن برنامه‌هایی همچون تعلیم و تربیت اقتصادی و آموزش اخلاق کسب‌وکار می‌شود. این در حالی است که در رویکردهای نسبت‌گرایانه رایج در اقتصاد توسعه، در موارد زیادی، نظریه‌پردازی در خدمت تبیین و تثبیت رویه‌های موجود در تغییر ارزش‌ها و سلاقیق به نفع ارزش‌های مادی‌گرایانه قرار دارد. در این مسیر، نظریه‌پردازان اقتصاد توسعه گاه دچار نوعی پارادوکس می‌شوند؛ آن‌ها از یک‌سو تنوع فرهنگی در مسیر توسعه را می‌پذیرند و از سوی دیگر بر لزوم نهادینه کردن ارزش‌های نوسازی و مدرنیسم تأکید دارند.

نظریه‌های اقتصاد توسعه و پیشرفت متضمن ارزش‌داوری اخلاقی (آرمانی و سیاسی) نیز هستند. فروض اخلاقی در قالب تعیین اهداف توسعه و پیشرفت اقتصادی، تعریف این اهداف و اولویت‌بندی آن‌ها، طراحی شاخص‌های اقتصادی و همچنین استانداردهای رفتاری عاملان اقتصادی بر نظریه‌های اقتصاد پیشرفت اثر می‌گذارند. در بسیاری از نظریه‌های رایج

اقتصاد توسعه، آزادی به‌عنوان ارزشی ذاتی تلقی می‌شود که حتی توسعه و شاخص‌های آن در چهارچوب این ارزش محوری تعریف می‌شود. این در حالی است که در رویکرد اقتصاد پیشرفت، ارزش آزادی و سایر ارزش‌های اقتصادی ارزشی ابزاری است و در خدمت ارزش بالاتر تکامل انسان در سایه قرب ربوبی قرار می‌گیرد. تعیین سه هدف عدالت، امنیت و رشد برای پیشرفت اقتصادی مورد نظر اسلام، تعریف خاص این اهداف و همچنین اولویت‌بندی آن‌ها در مباحث اقتصاد پیشرفت اسلامی، نه تنها حاوی ارزش‌دواری اخلاقی است، بلکه منعکس‌کننده رویکرد پذیرفته‌شده اقتصاددانان مسلمان به مفهوم ارزش و سلسله‌مراتب آن است. این نوع ارزش‌دواری اخلاقی در قالب شاخص‌های پیشرفت اقتصادی نیز ظهور و بروز می‌کند و برای نمونه زمینه معرفی شاخصی همچون شاخص تولید طیب را فراهم می‌کند که متمایز از شاخص تولید ناخالص داخلی متعارف است. فرض ناظر به استانداردهای مطلوب رفتاری نیز نظریه‌های اقتصاد اسلامی را با ارزش‌دواری اخلاقی ضمنی روبه‌رو می‌کند. اقتصاددانان مسلمان با مفروض گرفتن عقلانیت تکامل‌یافته با اخلاق و معنویت، فرمول‌بندی متفاوتی در رفتارشناسی اقتصادی در علم اقتصاد پیشرفت اسلامی خواهد داشت.

ارزش‌دواری در اقتصاد توسعه و پیشرفت تنها در قالب ارزش‌دواری آرمانی صورت نمی‌گیرد. پس از قبول ارزش‌های آرمانی، نوبت به ارائه توصیه‌های اصلاح ساختاری و برنامه‌ای در مسیر توسعه و پیشرفت می‌رسد. این توصیه‌های ساختاری شامل مواردی همچون اصول و قواعد حاکم بر حقوق مالکیت، میزان آزادی اقتصادی و مسئولیت‌های دولت اسلامی است. توصیه‌های ساختاری مزبور حاوی نوعی ارزش‌دواری ابزاری است؛ بدین مفهوم که تحقق این اهداف ابزاری برای دستیابی به آرمان‌های نظام اقتصادی اسلام همچون عدالت، امنیت و رشد اقتصادی قلمداد می‌شود.

ورود ارزش‌ها در نظریه‌های توسعه و پیشرفت می‌تواند موجب تغییر در اولویت‌های پژوهشی، تعمیق واقع‌نمایی نظریه‌ها، تغییر شاخص‌ها، ساختارها و برنامه‌های پیشنهادی توسعه و پیشرفت شود. بسیاری از رویکردهای نظری در اقتصاد توسعه متعارف به‌واسطه پذیرش مبانی هستی‌شناختی و ارزش‌شناختی نادرست یا ناقص، نه تنها از فهم کامل واقعیت بیرونی عاجز مانده، بلکه زمینه‌ساز مداخلاتی در واقعیت شده‌اند که انسان را از مسیر پیشرفت واقعی منحرف کرده است. در دانش اقتصاد پیشرفت اسلامی، اتخاذ رویکردی متعالی به عقلانیت اقتصادی زمینه‌ساز توجه به اخلاق و معنویت در تعریف انسان عقلایی مطلوب می‌شود. این رویکرد زمینه‌ساز نظریه‌پردازی در زمینه چگونگی ارتقای عقلانیت عاملان اقتصادی در جامعه اسلامی با استفاده از ابزارهایی همچون

تعلیم و تربیت اقتصاد اسلامی می‌شود. علم اقتصاد پیشرفت اسلامی با در نظر گرفتن کارکرد اخلاق و نهادهای اخلاقی در اقتصاد اسلامی، به معرفی مکانیسم تسویه اخلاقی در کنار مکانیسم بازار می‌پردازد. این رویکرد زمینه گسترش مباحث اقتصاد نهادی اسلامی و تجزیه و تحلیل کارکرد نهادهای اسلامی در مسیر پیشرفت اقتصادی را فراهم می‌کند. تحلیل کارکرد نهادهایی همچون صدقات، و زکات در رفتارسازی اقتصادی از جلوه‌های برجسته مباحث مزبور است.

کتابنامه

۱. آدلمن، ایرما. ۱۳۸۲. «مغالطه‌های نظریه توسعه و پیامدهای آن‌ها برای سیاست». تدوین: جerald مایر و جوزف استیگلیتز. در پیشگامان اقتصاد توسعه: آینده در چشم انداز. تهران: نشر نی. ص ۱۳۵-۱۶۸.
۲. باسو، کائوشیک. ۱۳۸۲. «دربارۀ اهداف توسعه». تدوین: جerald مایر و جوزف استیگلیتز. در پیشگامان اقتصاد توسعه: آینده در چشم انداز. تهران: نشر نی. ص ۸۷-۱۱۶.
۳. پایا، علی. ۱۳۸۸. «آیا الگوی توسعه ایرانی - اسلامی دست‌یافتنی است؟». روش‌شناسی علوم انسانی. ش ۶۰. ص ۳۱-۶۰.
۴. توکلی، محمد جواد. ۱۳۹۰. «روش‌شناسی تدوین شاخص پیشرفت انسانی بر اساس گفتمان قرآنی». معرفت اقتصادی. ش ۴. ص ۳۱-۵۶.
۵. _____ . ۱۳۹۲. «امکان‌پذیری الگوی متمایز اسلامی - ایرانی پیشرفت». مجموعه مقالات نخستین همایش ملی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۶. _____ . ۱۴۰۰ الف. «چشم‌اندازهای نظریه عقلانیت محدود در اقتصاد اسلامی». مطالعات اقتصاد اسلامی. ش ۲۶. ص ۱۸۱-۲۱۰.
۷. _____ . ۱۴۰۰ ب. «چگونگی ورود ارزش‌ها در نظریه‌های اقتصاد اسلامی». معرفت اقتصاد اسلامی. ش ۲۴. ص ۱۱۱-۱۳۶.
۸. _____ . ۱۳۹۷. نه فقط به خاطر پول؛ تبیین هزینه‌های مخفی پاداش و جریمه: از روان‌شناسی تا اقتصاد. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۹. توکلی، محمد جواد؛ ایمان رفیعی پیشوری. ۱۳۹۹. «نگاهی نظام‌مند به ورود ارزش‌های اسلامی در نظریات اقتصادی». اقتصاد اسلامی. ص ۵-۲۴.
۱۰. توکلی، محمد جواد؛ عباس شفیعی‌نژاد. ۱۳۹۱. «شاخص تولید خالص داخلی طیب». معرفت اقتصاد اسلامی. ش ۶. ص ۲۹-۵۴.
۱۱. _____ . ۱۳۹۸. شاخص تولید طیب. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۱۲. دایکما، اوگن. ۱۳۹۲. «هیچ دیدگاهی بدون دیدگاه قبلی (پیش‌ذهنیت) نیست». مترجم: محمود متوسلی. در توسعه اقتصادی؛ مفاهیم، مبانی نظری، رویکرد نهادگرایی و روش‌شناسی. تهران: سمت. ص ۴۱۷-۴۴۲.

۱۳. زرقا، محمد انس. ۱۳۸۲. «روش‌شناسی اقتصاد اسلامی». اقتصاد اسلامی. ش ۱۰ ص ۱۱۳-۱۴۲.
۱۴. زریباف، سید مهدی. ۱۳۸۷. «نقدی بر ماهیت علم اقتصاد با رویکرد ارزشی». پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی. ش ۴۶. ص ۳۳-۶۱.
۱۵. سبحانی، حسن. ۱۳۷۰. «چگونگی و ارتباط و درجه بستگی علم اقتصاد با قضاوت‌های ارزشی». مجله تحقیقات اقتصادی. ش ۴۴. ص ۳۶-۶۵.
۱۶. سن، آمارتیا. ۱۳۷۷. اخلاق و اقتصاد. مترجم: ح. فشارکی. تهران: شیرازه.
۱۷. _____ . ۱۳۷۸. «چرا فرهنگ اهمیت دارد؟». راثو ویجنندرا؛ مایکل والتون. در: فرهنگ و کشش عمومی. مترجم: علی بختیاری‌زاده. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه عمومی.
۱۸. _____ . ۱۳۸۱. توسعه به‌مثابه آزادی. تهران: دستان.
۱۹. صدر، سید محمد باقر. ۱۴۰۰ق. اقتصادنا. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۲۰. فوکویاما، فرانسیس. ۱۳۸۳. «سرمایه اجتماعی». تدوین لارنس هریسون و ساموئل هانتینگتون. در: اهمیت فرهنگ. تهران: امیرکبیر. ص ۲۰۵-۲۲۳.
۲۱. مصباح یزدی، محمد تقی. ۱۳۸۸. فلسفه اخلاق. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۲. مک‌لاپ، فریتز. ۱۳۸۱. «اقتصاد اثباتی و دستوری». نامه مفید. ش ۳۱. ص ۱۵۱-۱۸۴.
۲۳. هانتینگتون، ساموئل. ۱۳۸۳. «پیشگفتار: اهمیت فرهنگ‌ها». تدوین: لارنس هریسون و ساموئل هانتینگتون. در اهمیت فرهنگ. تهران: امیرکبیر. ص ۲۷-۳۲.
۲۴. یغمائی، ابوتراب. ۱۳۹۴. «نقش ارزش‌های غیر معرفتی در ارزیابی معرفتی نظریه‌های علمی». راهبرد فرهنگ. ش ۳۲. ص ۳۱-۴۸.
۲۵. یوسفی، محمد رضا. ۱۳۷۵. «ارزش‌ها و علم اقتصاد». نامه مفید. ش ۶.
26. Bicchieri, Cristina. 2005. **Grammar of Society: The Nature and Dynamics of Social Norms**. Cambridge: Cambridge University Press.
27. Chapra, Mohammad U. 1992. **Islam and the Economic Challenge**. Beltsville: Amana Publications.
28. _____ . 2014. **Morality and Justice in Islamic Economics and Finance**. Edward Elgar.

29. Dykema, Eugene R. 1986. "No view without a viewpoint: Gunnar Myrdal". **World Development**, 14(2): P.147163_.
30. Eriksson, Lina. 2015. "Social Norms Theory and Development Economics". **Policy Research Working Paper**. No. 7450. World Bank.
31. Goulet, Denis. 1981. "In Defense of Cultural Rights: Technology, Tradition and Conflicting Models of Rationality". **Human Rights Quarterly**. 3(4): P.1-18.
32. Myrdal, Gunnar. 1965. "United Nations, Agriculture, and the World's Economic Revolution". **Journal of Farm Economics**, 47(4): P.889.899_
33. _____. 1968. **Asian Drama: An Inquiry into the Poverty of Nations**. New York: Pantheon.
34. _____. 1970. **The Challenge of World Poverty**. New York: Pantheon.
35. _____. 1972 "How Scientific are the Social Science". **Journal of Social Issues**, 28(4): P.151.170_
36. North, Douglass. 1993. "The New Institutional Economics and Development". University Library of Munich, P.1.7_
37. Stenmark, Mikael. 2005a. "A Religiously Partisan Science? Islamic and Christian Perspectives". *Theology and Science*, 3(1): P.23.38_
38. _____. 2005b. "A Counter-Response on A Religiously Partisan Science". *Theology and Science*, 3(1): P.92.95_
39. Williamson, Oliver. 2000. "The New Institutional Economic: Taking Stock, Looking Ahead". *Journal of Economic Literature*. XXXVIII. P.595.613_